

# خط های صورت ما !

خط و خطوطی که بر صورتمان نشسته پر از رمز و رازهایی است که انگار هر کدام از این خطها داستانی مستقل است و روایتگر قصه ها و غصه هایی است که تجربه کرده ایم. رنج هایی که از دست این روزگار لاگردار کشیده ایم و گنج هایی که بدست نیاورده ایم. حرف هایی که زده ایم و دردهای بی درمانی که پشت سرمان بر جای گذاشته ایم. پشت هر چین و چروک مان حکایت و شکایتی نهفته است که فقط خودمان می فهمیم. حکایت صبوری و شکایت رنجوری. اصلا این صورت انگار تجسم رنج و صبر است که در ما نشسته است و چقدر رازهای بزرگی در چشمها و در صورت های ما نهفته است و کسی نمی داند.

می گویند اگر می خواهی ببینی بزرگ شده ای یا نه ببین چقدر صبورتر شده ای. صبوری البته انتظار منفعلانه نیست ؛ مدارایی فعالانه است برای حل یا تحمل مساله ای. اتفاقی برای رهایی از تنش ها و خلاصی از تشویش ها. صبری که شکوه و شکستن را به شکوه و شکفتن بدل می کند. پشت هر چین و چروک و خط و خطوطی می توان رد پای شکستن ها و شکفتن های بسیاری را ردیابی کرد و پرده از رازهای سر به مهر آدمیان برداشت. رد خاطرات و مخاطراتی که سرشار از گفتنی ها و ناگفتنی هاست. و البته که هر خط در صورت های ما روایت یک ربط است !

ربط به زجر و رنج و غصه که انگار تا زنده ایم دست از سرمان بر نمی دارد.

**\*\*[جعفر بخشی بی نیاز](#)\*\***